

درجه

«آسمان نیمه‌شب» به اسکار می‌رسد؟

● هنر آنلاین: کارگردان و بازیگر آمریکایی زمان ساخت تازه‌ترین فیلم خود با مشکلات مختلف ازجمله یک دوره فشرده ساخت جلوه‌های ویژه، بارداربودن بازیگر زن نقش اصلی و توفان در قطب شمال روبه‌رو بود.

وقتی جرج کلونی بعد از قرنطینه عمومی در ماه مارس توانست به خانه خود در ایتالیا برگردد، چاره‌ای نداشت جز اینکه بدون دراختیارداشتن خدمتکار، با خانواده‌اش در خانه سه جریبی خود در لورل کنبون، لس‌آنجلس بماند. وقتی کلونی طرف نمی‌شت یا اتو نمی‌زد، یا با دوقلوهای سه‌ساله‌اش بازی نمی‌کرد، از دور روی «آسمان نیمه‌شب» (The Midnight Sky)، هفتمین فیلم بلند سینمایی خود در مقام کارگردان کار می‌کرد. او در گفت‌وگوی تلفنی با ایندی‌وایر از یک خانه ساحلی در هاوایی گفت: «مجبور بودم در یک دوره فشرده شش‌ماهه، کارهای مربوط به جلوه‌های ویژه فیلم را انجام بدهم. نه اینکه بگویم فیلم مملو از صحنه‌های انفجار است.» «آسمان نیمه‌شب» تولید تفلیکس است و از ۲۳ دسامبر (سوم دی) اکران می‌شود. این فیلم می‌تواند کلونی ۵۹ساله را برای اولین‌بار بعد از فیلم برنده اسکار «ارگو» در ۲۰۱۳ (که به‌همراه شریک و همکار فیلم‌نامه‌نویس خود گرتن هسلو و بن افلک کارگردان فیلم تهیه کرد)، به رقابت اسکار برگرداند. او می‌تواند هر کاری که می‌خواهد انجام بدهد. کلونی که سه سال پیش شرکت تکلیا «کاسامیگو» خود با مشارکت راند گیر را به مبلغ یکمیلیارد دلار فروخت، تاکنون هشت بار نامزد اسکار شده و دو بار این جایزه را گرفته است. کلونی به‌جز «ارگو» که در مقام‌یکی از تهیه‌کنندگان برنده اسکار بهترین فیلم شد، در ۲۰۰۶ نیز برای فیلم «سیریاناه» اسکار بهترین بازیگر مرد مکمل را دریافت کرد. او برای فیلم‌های «مایکل کلیتن» (۲۰۰۷)، «روی هوا» (۲۰۰۹) و «فرزندان» (۲۰۱۱) هم نامزد اسکار بهترین بازیگر مرد بود. کلونی ۲۰۰۶ برای فیلم «شب‌بخیر و موفق باشید» درباره ادوارد آر. مارو مجری معروف تلویزیونی، نامزد اسکار بهترین کارگردانی و فیلم‌نامه غیراقتباسی شد و در ۲۰۱۲ نیز برای فیلم «نیمه ماه مارس» به کارگردانی خودش شانس دریافت جایزه اسکار بهترین فیلم‌نامه اقتباسی را داشت.

درنهایت، با وجود اینکه کلونی مجبور شد مراحل پس‌تولید «آسمان نیمه‌شب» را در دوران پاندمی کووید۱۹ انجام بدهد، نتیجه کار او یک فیلم عامه‌پسند است که می‌تواند تجاری‌ترین پروژه او تا به امروز باشد. فیلم با پشتیبانی تفلیکس می‌تواند با تماشاگران در سراسر جهان ارتباط برقرار کند و می‌تواند تحسین رای‌دهندگان آکادمی اسکار را به‌خصوص در بخش‌های فنی به همراه داشته باشد. این هم در شرایطی که در بازار از فیلم‌های بزرگ کمتر نشانی هست.

درحالی‌که کلونی و هسلو روی فیلم‌نامه مارک آل. اسمیت (که اقتباسی از «صبح بخیر، نیمه‌شب» نوشته لیلی پروکس- دالتن است)، کار می‌کردند، فیلم‌های علمی‌تخیلی ریدلی اسکات و «بازگشته» آلخاندرو گونزالس اینارتو، همین‌طور تجربیات شخصی کلونی با استیون سودربگ (سولاریس) و آلفونسو کوارون (جادیه) را مرور کردند. «آسمان نیمه‌شب» یک فیلم آرام بدون دیالوگ‌های زیاد است؛ فیلمی اغلب غرق در تفکر که با سکانس‌های اکشن پرشور، نقطه‌گذاری شده است. البته آنها پیش‌بینی نمی‌کردند که درام فضایی آنها در دوران یک بیماری همه‌گیر جهانی و در شرایطی که خیلی از مردم در قرنطینه و تنها هستند، اکران می‌شود.

کلونی که دوست دارد بگوید تقریباً ۶۰ساله است (ششم می ۲۰۲۱ یا این سن می‌رسد)، ریش جوگندمی پریش گذاشت و ۲۵ پوند (حدود ۱۱٫۳ کیلو) وزن کم کرد تا نقش اوگاستین، یک دانشمند مبتلا به سرطان را بازی کند که بعد از نجات از یک فاجعه هسته‌ای جهانی، به‌تنهایی در یک آزمایشگاه در قطب شمال به سر می‌برد. او روزهای خود را در انزوا می‌گذراند تا اینکه یک دختر ساکت (با بازی کولین اسپرینگال هفت‌ساله) پیدا می‌شود و می‌کوشد با یک سفینه فضایی در حال بازگشت که خمه آن، به رهبری یک زن و شوهر (با بازی فلیسییتی جونز و دیوید اولیوو)، قادر به برقراری ارتباط با کسی در زمین نیستند، ارتباط برقرار کند. کلونی گفت: ما منتظر باد بودیم. شرایط آب‌وهوایی کمک کرد. ما به شانس تکیه کرده بودیم و هوا این فرصت را در اختیار ما گذاشت. واقعیت این بود که کنترل اوضاع دست ما نبود.

دوره فشرده ساخت جلوه‌های ویژه کلونی را به این نتیجه رساند که تکنولوژی از زمان ساخت فیلم «جادیه» قدرر تغییر کرده است. فیلم‌برداری بخشی از «آسمان نیمه‌شب» که در فضا اتفاق می‌افتد، به گفته کلونی «به‌مراتب پیچیده‌تر بود». و جیم بیسل طراح صحنه برای طراحی سفینه فضایی تازه‌ترین علوم ناسا را مطالعه کرد.

بعد از پایان فیلم‌برداری، کلونی یک هفته روی تدوین فیلم کار کرد و بعد ماجرای قرنطینه عمومی پیش آمد. سپس او و استیون میروینی، تدوین‌گر برنده اسکار (چاقی) بیشتر روی صحنه‌ها کار کردند تا بین صحنه‌های قطب شمال و سفینه فضایی توازن برقرار شود. اکنون پس از چندماه کار، فیلم جدید کلونی آماده نمایش شده است و به نظر در بهترین زمان ممکن نیز اکران می‌شود. «آسمان نیمه‌شب» درنهایت، یک قصه دیستوپیایی درباره اهمیت ارتباط انسانی است.

از طلق رادیولوژی دو دسته از آدم‌ها استفاده می‌کنند:

پزشکان برای تشخیص ناهنجاری‌های بدن به‌خصوص شکستگی استخوان و کلیدسازهای مشکل‌گشا برای بازکردن درهای بسته. (با کشیدن طلق لای شکاف باریک در که چشم عادی ممکن است آن را نبیند). رادیوگرافی یک خانواده، مستند داستانی فیروزه خسروانی، هر دو این هنرها را دارد. هم شکستگی را نشان می‌دهد و هم بازشدن دری را که به باغ حزن آلود خاطرات گشوده می‌شود. شکستگی و بازشدن در، هر دو، تمثیل جهانی بزرگ‌تر از چهاردیواری خانواده هم هستند. فیلم از جزء به کل می‌رسد و وصف‌حال بی‌شمار خانواده‌های دیگر می‌شود؛ اما جهان کوچک واقعی زن و شوهر این خانواده چنان به نرمی و با انصاف ترسیم می‌شود که شباهت‌ها و نگاه‌های آشکار و نهان به جهان پرتب‌وتاب آن‌سوی دیوار نیز به شکلی طبیعی و بدون غلو در متن داستان جا می‌افتند. عقیده و ارزش‌ها و دلبستگی‌های زن و مرد رفته‌رفته در برابر هم قرار می‌گیرند. باورهای هر دو آنها اصالت دارد و ساختگی نیست. از درون آدم‌ها می‌جوشد و تاثیر خانواده را با همه دلبستگی‌ها درگیر جنگ قدرتی می‌کند که جز جابه‌جاشدن جایگاه مرد و زن و جدایی روحی آنها سرانجامی ندارد. هر دو در این زندگی زناشویی که با محبت آغاز شد، گل‌هایی هستند که با وزش باد مخالف پیر می‌شوند. پدر رفتار و باور غربی دارد، شاد و پرچنب‌وجوش است. در سؤنپس درس خوانده و پزشک شده است. مادر مذهبی و خداترس و تکران افتادن به دام گناه است. در این میان، دختر آنها راوی بی‌طرفی است که دفتر رنگ‌رورفته ایام را باز می‌کند و همراه صدای مادر و پدر ماجراها و کشاکش‌ها را با متانت شرح می‌دهد. پدر در برابر پیشروی مادر چندان ایستادگی نمی‌کند؛ با ازدست‌دادن چیزهای دوست‌داشتنی‌اش ذره‌ذره در خود می‌خزد و با افسردگی آماده رفتن از جهانی می‌شود که دیگر مال او نیست.

از نگاه راوی، وصلت پدر و مادر با کشش و میل ظاهری شروع شده است. اولین جمله‌ای که در آغاز فیلم از او می‌شنویم، این است که «مادر با عکس پدر ازدواج کرد». پدر با یک نگاه که به همسر آینده‌اش انداخته و مادر با عکسی که از شوهر آینده‌اش به او نشان داده‌اند، همدیگر را می‌پسندند و پیمان زناشویی می‌بندند. اما عکس پرت‌راهی که در سفره عقد جایگزین جسم و نفس گرم داماد شده، از آینده‌ای سرد خبر می‌دهد. عکس‌ها در این فیلم ابزار و ربط‌دهنده نوعی پیوند تنش‌آمین بین دو فرهنگ و باور متفاوت‌اند؛ و ترک‌داشتن این وصلت در یک عصیان تدریجی خانگی، بازتاب گسترده ترس را هم‌زمان در کوچه و خیابان لبالب از طغیان و دگرگونی اجتماعی پیدا می‌کند. خانه و بیرون خانه دو جهان موازی‌اند که مانند آینده‌های تودرتو در هم منعکس می‌شوند. این عکس‌ها هستند که کمک گفتار متن و دیالوگ‌های ساده پرمعنا، به شکل مهره‌های تسبیح حرف می‌زنند، خاطره‌انگیز می‌شوند، قصه را پیش می‌برند، با موسیقی تکلم می‌کنند، خاموش می‌شوند و سرانجام از هم می‌پاشند و تن به سوختن و تکه‌تکه‌شدن می‌دهند. پدر دل‌شکسته به‌آرامی در خواب از دنیا می‌رود و مادر باقیی می‌ماند تا به کمک واکر چرخدارش راه برود و با پناه‌بردن به معبود قدسی همیشگی‌اش به خود آرامش بدهد و زندگی‌اش به این شکل و شیوه ادامه یابد. واکر در حد یک شیْ واقعی مانند صای یک انسان کم‌توان عمل می‌کند، اما در همان حال نشانه نمادین

هنر



رادیوگرافی یک خانواده، ساخته فیروزه خسروانی

گل‌های پرپر شده

جهانبخش نورانی

گروه هنر: «رادیوگرافی یک خانواده» هفتمین ساخته فیروزه خسروانی به تهیه‌کنندگی مجیدبرزگر، چندی پیش مهم‌ترین جایزه ایدفا را به خود اختصاص داد؛ فیلمی که در رقابت با مهم‌ترین مستندهای سال در بخش اصلی این جشنواره مهم و معتبر مستند جهان، علاوه بر کسب عنوان بهترین فیلم بخش اصلی جشنواره، جایزه «استفاده خلاقانه از آرشپو» را هم از آن خود کرد. باوجود حضور قابل توجه سینماگران ایرانی در دوره‌های مختلف این جشنواره، نخستین باری است که فیلمی از سینمای ایران این جایزه مهم را کسب می‌کند. «رادیوگرافی یک خانواده» حال و هوای خاص خودش را دارد. در نگاه اول قصه از یک آلبوم خانوادگی آغاز می‌شود اما در ادامه کارگردان با استفاده از آرشپو غیررسمی تکه‌هایی از تاریخ معاصر ایران را به هم می‌چسباند. روایت جذاب کارگردان از جرابی و چگونگی ساخت این فیلم هم قابل‌تأمل است: «این فیلم پروژه زندگی من است». فرم و زیبایی‌شناسی و محتوای این مستند در نوع خود بدیع و متفاوت است. «رادیوگرافی یک خانواده» فیلمی نیست که بتوان به‌راحتی از آن چشم‌پوشی کرد و لایه‌های جامعه‌شناختی آن را نادیده گرفت. صحبت درباره چگونگی ساخت فیلم و نگاه خاص کارگردانش را در آینده موکول می‌کنیم که فیلم در ابعاد وسیع‌تر دیده شود. در ادامه به بهانه موفقیت بین‌المللی این مستند، نگاه دو منتقد و نظریه‌پرداز را درباره‌اش می‌خوانید.

زمین‌گیرشدن یک روح شورش‌ی است و از فرجام زنی با عقاید سنتی‌اش حرف می‌زند که ورزش اسکی تحمیلی در کوه‌های برف‌گرفته سونپس، به جسم و روحش لطمه زده است- آسپیی که تا آخر باقی می‌ماند و درمان‌ناپذیر است. این عکس با تخصص پدر که رادیولوژیست است، قرینه می‌شود و خمیدگی و اعوجاج ستون فقرات در همان حال که به‌طور واقعی در اندام کبدانی‌وی خانه لانه کرده، به شکلی نمادین به یک جریان فکری و اجتماعی که مادر جزئی از آن است، گره می‌خورد و



در جست‌وجوی «محور هستی» (Axis Mundi)

زیبا جلالی‌ناتانی

مادی باید بیش معنوی و مهارت‌های لازم را در حفظ و حراست از اصول آن به دست آورد تا در مقابل دشمن‌های واقعی و مجازی ایستادی کند. بدین نحو، مادر در هسته حیات جای می‌گیرد و حول او پدر و دختر خانواده با نوای آن می‌فرسند. زین پس این مادر شکسته که خانواده را هدایت و به آن حیات و محتوای جدیدی می‌دهد و در مسند «محور هستی» خانواده قرار می‌گیرد. غافل از اینکه خارج از این مرزهای ایدئولوژیک، دنیای کوچکی شکل می‌گیرد که قلمروهای بیرون از آن نهفته است تا پدر مهاجر وطنش را در پستوی امن خود پناه دهد. و چون این فضای مدام کوچک‌شونده، ارزش‌ها و نظامی متفاوت دارد، نمایانگر هومگونی یک نظام مطرود و محوشونده است. مادر در هزارتوی دغدغه‌های خود این دنیای کوچک را به حال خود وامی‌نهد تا به مرور در سایه روشن‌های تردید و یقین کم‌رنگ شود و در محدودیت یک قاب عکس ثبت و گذشته بماند.

دختر خانواده که از خردسالی شاهد فروریختن هراتچه برایش دوست‌داشتنی و آشنا بوده، در این بازنمایی، درون «وجودی» قرار می‌گیرد تا پلّی باشد میان دو مفهوم متناقض‌نمای سنت بازایافته و مدرنیته طرد و لعن شده. دختر در قامت «فرزند زما»، دیگر نه یک جهانی‌خُرد از کل «هستی» یا Axis Mundi بلکه در عینیتی غیرقابل انکار حضور دارد. او که مدام در تعلیق میان این دو عالم می‌بود، دربی آن است برای ثبت‌دادن به زندگی، «محور هستی»‌ای Axis Mundi. را که ترک برداشته و گویای گسست تاریخی ماست، با متانت و بخشش به زمان اکنون پیوند زند و پر تو امید بر باره‌های ایمان‌های ازدست‌رفته ارتباط زمانی میان گذشته و آینده را برقرار کند. کارگردان با ساخت بدیع آخرین سکانس فیلم، درخشش نوری را بر متنی سفید می‌تاباند و بازتابی است از اراده نسل امروز که تارهای گذشته را با یود اکنون به زیبایی می‌یابد. این نسل تکه‌های جورچین منقصل



کرد. در مدتی هم که به اجبار با همسرش در این کشور غربی ساکن بوده و نطفه دخترشان در همان‌جا شکل گرفت، مظاهر مدرنیسم غربی به‌سرعت در گوشه‌وکنار سرزمین مادری‌اش هم رخنه و نفوذ کرده و آب و خاک اجدادی‌اش شبیه زئو شده بود. باین‌همه، بخت با مادر آسیب‌دیده‌ها اسارت و انگیزه عصیان او در بازگشت به ایران بستر مساعدی را برای سربرآوردن پیدا می‌کند که با شعارهای تند دکتر علی شریعتی، روزبه‌روز بی‌بروتر می‌شود و فتری که سال‌ها فشرده شده بود، به‌تدریج آماده بازشدن می‌شود. این فتر در درون خانواده است که به‌آرامی گشوده می‌شود و سرعت می‌گیرد، معادله قدرت به هم می‌خورد و مصادر، پدر را که بیشتر وقت‌ها او را «موسیو» صدا می‌زند، به عقب‌نشینی غم‌انگیز می‌کشاند. جابه‌جایی اشیای خانه که با محوشدن دکوراسیون مورد علاقه پدر و سربرآوردن چیدمان دل‌پسند مادر توازن نیرو را به هم می‌زند، پیشروی مادر را مانند فتح بیایی خاکریزها در صحنه نبرد تضمین می‌کند. رنگ‌های محیط خانه به خاکستری می‌گراید و نوعی حس ماتم و فقدان شور و طرافت و عاطفه به سر و روی خانه پاشیده می‌شود. جریان جابه‌جایی اشیا و وسایل به‌گونه‌ای ست که قیاس‌زای و ویرانی در هم تنیده می‌شوند و شعر م.آزاد را به یاد می‌آید که «من از این باران‌ها می‌دانم- خانه ویران خواهد شد، ویران».

تحول زمانی به اوج می‌رسد که مادر برای تثبیت جایگاه نویافته‌اش با این بخش از گذشته ناخوشايند و «گناه‌آمیز» خود خداحافظی می‌کند و عکس‌هایی را که از دید او نشان از معصیت و تـنـدادن به رفتار اجانب دارند، پاره می‌کند. کار مادر خواهانه‌خواه این حس را به وجود می‌آورد که انکار گذشته و سوزاندن یادگارهای آن در سطح زندگی زناشویی و در عرصه اجتماعی باید یکی از هدف‌ها و مزایای زیر و زبرکردن ارزش‌ها در سایه شوروش انقلابی باشد. اینجاست که نقش راوی به‌تدریج پررنگ می‌شود و در برابر جریان زوال خانه و خط‌خوردن گذشته خاموش نمی‌ماند. راوی به میدان می‌آید و دست‌های کوچک او را می‌بینیم که دارد قطعه‌های پراکنده خاطرات و میراث خانواده از

هم پاشیده را به هم وصل می‌کند و اگر تکه گمشده‌ای را نیابد به نیروی تخیل و آرزوی خود جاهای خالی عکس‌ها را با قلم ترمیم می‌کند. رنگ‌های سپید و سرخ و سبز با موسیقی پرشکوه دلنشین جایگزین فضای سرد و تهی می‌شوند و فضا جلوه‌ای پرنویذ پیدا می‌کند. گویی این گذشته یک خانواده و یک سرزمین است که میل به بازشناختن آن بر فراموشی‌کردن و به‌دورریختن غلبه می‌کند. این همان کاری است که فرم و شیوه روایت فیلم هم با کنار یکدیگر گذاشتن تصویرهای بازایفته و فیلم‌های قدیمی رنگ‌روباخته انجام می‌دهد و به گذشته حیات دوباره می‌بخشد تا با نگاهی متفاوت به آن خیره شویم و ببینیم در کجا قرار گرفته‌ایم. در پایان فیلم که آغاز دیگری است، زاویه دید تغییر می‌کند و دوربین با بالا، گویی از چشم ناپیدای تاریخ، به دختر می‌نگرد که در جامه سپید میان دریایی از عکس‌های تکه‌پاره‌شده دراز کشیده و در حال بازسازی و دمیدن روح زندگی در آنهاست. این نمای لطیف و زیبای تأثیرگذار می‌تواند بشارت تکاپوی امیدبخش نسلی تازه برای زنده‌کردن خانه و کاشانه‌ای باشد که با همه شادی‌ها و لحظه‌های خوش زودگذرش، در فرجام نه برای خود و نه برای ساکنان سرگشته‌اش ثمری جز تلخی و دم‌سردی نداشت.

فراخوان نخستین مسابقه عکس «برگ‌ریزان تهران» منتشر شد

● فراخوان نخستین مسابقه عکس «برگ‌ریزان تهران» توسط انجمن عکاسان ایران با همکاری سازمان زیباسازی شهرداری تهران به دبیری ساعد نکات‌تامنشر شد. انجمن عکاسان ایران با همکاری سازمان زیباسازی شهرداری تهران، مسابقه عکس «برگ‌ریزان تهران» را در دی‌ماه ۱۳۹۹ برگزار می‌کند. این مسابقه دربرگیرنده عکس‌هایی در محدوده شهر تهران و در مکان‌های عمومی، فضاهای شهری، زندگی روزمره، طبیعت‌شهری، مبلمان شهری و یابگر جلوه‌های پاییزی طبیعت در پاییز شهر تهران است. از علاقه‌مندان و هنرمندان عکاس دعوت می‌شود تا با مشارکت در برگزاری این رویداد عکاسی با بهره‌گیری از رسانه عکس رویکرد فرهنگی و هنری خود را نسبت به طبیعت شهری تهران در معرض دید و نظر شهروندان تهرانی و جوامع شهری ایران در سطح ملی قرار دهند. به دلیل شیوع بیماری همه‌گیر کووید۱۹ نمایندگان آثار منتخب در زمان مناسب که از سوی ستاد مقابله با کرونا اعلام خواهد شد، در یکی از نگارخانه‌های تهران در زمستان ۱۳۹۹ برگزار و به تمامی رایاافتان‌کن به مسابقه گواهی شرکت و یک نسخه فایل دیجیتال کتاب این دوره اهدا می‌شود. مراسم اختتامیه در تهران و بر اساس موازین اعلام‌شده از سوی ستاد کرونا اطلاع‌رسانی و برگزار می‌شود. دکتر برزین ضراغمی، شاپور دیوسالار، محمدمهدی رحیمیان، شورای سیاست‌گذاری و هیئت داوران این مسابقه را هم ابراهیم صافی، مهدی وثوق‌نیا و گلریز خاتعلی‌زاده بر عهده دارند. پایان ثبت‌نام: ساعت ۲۴ روزه جمعه ۱۲ دی‌ماه ۱۳۹۹. انتخاب نهایی آغاز: روز چهارشنبه و پنجشنبه ۱۰ و ۱۱ دی‌ماه ۱۳۹۹. اطلاع‌رسانی پذیرفته‌شدگان: روز جمعه ۱۲ دی‌ماه ۱۳۹۹. اختتامیه و اهدای جوایز: پنجشنبه ۲۵ دی‌ماه ۱۳۹۹ (با موافقت ستاد کرونا مکان اعلام می‌شود)، نمایشگاه: ۲۵ دی‌ماه تا ۳ بهمن‌ماه ۱۳۹۹ (با موافقت ستاد کرونا مکان اعلام می‌شود).

زیر آسمان فیروزه‌ای

جایزه بهترین فیلم جشنواره حقوق بشر ناپلی به «دردهای دریا» رسید

● جایزه بهترین فیلم جشنواره حقوق بشر ناپلی ایتالیا به «دردهای دریا» ساخته محمدرضا مسعودی اهدا‌شد. جایزه بهترین فیلم کوتاه به انتخاب فدراسیون سینماکلوپ‌های ایتالیا در دوازدهمین دوره جشنواره حقوق بشر ناپلی ایتالیا به «دردهای دریا» ساخته محمدرضا مسعودی رسید. در این دوره از جشنواره ۳۳ فیلم در بخش‌های مختلف به رقابت نشستند. در بخش فیلم‌های داستانی حقوق بشر ۱۵ فیلم حضور داشتند که «دردهای دریا» جایزه بهترین فیلم کوتاه را از آن خود کرد. فیلم «دردهای دریا» روایت زنان و کودکان جنگ‌زده‌ای است که راه سخت مهاجرت را پیش می‌گیرند تا شاید از بمب‌ها در امان باشند درصورتی‌که مسیرهای مهاجرت هم دست‌کمی از جنگ‌ها ندارند. این دوره از جشنواره مانند بسیاری دیگر از جشنواره‌های فیلم، به علت شیوع ویروس کرونا تا ۱۷ تا ۲۸ نوامبر به‌صورت آنلاین برگزار شد.

پوستر مستند «مرغ آتش» رونمایی شد

- پوستر مستند «مرغ آتش» به کارگردانی حجت‌الله طاهری با محوریت

تلاش‌های یک گروه فیلم‌سازی برای ثبت تصویری منحصربه‌فرد از ثبت یک زیستگاه جدید از فلامینگوهای ایران در آستانه نمایش در چهاردهمین جشنواره سینماحقیقت رونمایی شد. تولید مستند «مرغ آتش» از سال ۹۲ آغاز شد و پس از گذشت هفت سال با تصویربرداری پلان‌های نهایی در سال ۹۹ آماده شد و قرار است در بخش مسابقه ملی مستندهای نیمه‌بلند چهاردهمین جشنواره سینماحقیقت به نمایش گذاشته شود.

«دستمال سرخ‌ها» در چهاردهمین جشنواره سینماحقیقت

● مستند سینمایی «دستمال سرخ‌ها» به روایت چگونگی شکل‌گیری گردان دستمال سرخ و شهادت شهید اصغروصالی و شهیدعلی تیموری از فرماندهان این گردان و جنایات گروهک تروریستی منافقین پس از پیروزی انقلاب اسلامی و جنک تحمیلی اشاره دارد. نیروهای تحت فرماندهی شهید اصغر وصالی به دلیل بسنت دستمال سرخ بر گردن‌هایشان که «گروه دستمال سرخ‌ها» شهرت داشتند. روز ۲۸ آبان ۱۳۵۹ و هم‌زمان با تاسوعای حسینی تصمیم گرفته شد عملیاتی برای روز عاشورا تدارک دیده شود. حوالی ظهر عاشورا، علی‌اصغر وصالی در تنگه حاجیان در نزدیکی گیلان غرب از ناحیه سر مورد اصابت گلوله قرار گرفت و پس از انتقال به فرماندهی عکاس اسلام‌آباد غرب و عمل جراحی مغز، بر اثر شدت جراحات به شهادت رسید. در این مستند برای اولین بار تعدادی از بازماندگان گردان دستمال سرخ‌ها مقابل دوربین قرار گرفته و از چگونگی تشکیل این گردان تا شهادت اصغر وصالی و فرماندهی شهید علی تیموری و همچنین خاطراتی تکان‌دهنده از نحوه جنایت گروهک تروریستی منافقین را روایت کرده‌اند.

فراخوان نخستین مسابقه عکس «برگ‌ریزان تهران» منتشر شد

● فراخوان نخستین مسابقه عکس «برگ‌ریزان تهران» توسط انجمن عکاسان ایران با همکاری سازمان زیباسازی شهرداری تهران به دبیری ساعد نکات‌تامنشر شد. انجمن عکاسان ایران با همکاری سازمان زیباسازی شهرداری تهران، مسابقه عکس «برگ‌ریزان تهران» را در دی‌ماه ۱۳۹۹ برگزار می‌کند. این مسابقه دربرگیرنده عکس‌هایی در محدوده شهر تهران و در مکان‌های عمومی، فضاهای شهری، زندگی روزمره، طبیعت‌شهری، مبلمان شهری و یابگر جلوه‌های پاییزی طبیعت در پاییز شهر تهران است. از علاقه‌مندان و هنرمندان عکاس دعوت می‌شود تا با مشارکت در برگزاری این رویداد عکاسی با بهره‌گیری از رسانه عکس رویکرد فرهنگی و هنری خود را نسبت به طبیعت شهری تهران در معرض دید و نظر شهروندان تهرانی و جوامع شهری ایران در سطح ملی قرار دهند. به دلیل شیوع بیماری همه‌گیر کووید۱۹ نمایندگان آثار منتخب در زمان مناسب که از سوی ستاد مقابله با کرونا اعلام خواهد شد، در یکی از نگارخانه‌های تهران در زمستان ۱۳۹۹ برگزار و به تمامی رایاافتان‌کن به مسابقه گواهی شرکت و یک نسخه فایل دیجیتال کتاب این دوره اهدا می‌شود. مراسم اختتامیه در تهران و بر اساس موازین اعلام‌شده از سوی ستاد کرونا اطلاع‌رسانی و برگزار می‌شود. دکتر برزین ضراغمی، شاپور دیوسالار، محمدمهدی رحیمیان، شورای سیاست‌گذاری و هیئت داوران این مسابقه را هم ابراهیم صافی، مهدی وثوق‌نیا و گلریز خاتعلی‌زاده بر عهده دارند. پایان ثبت‌نام: ساعت ۲۴ روزه جمعه ۱۲ دی‌ماه ۱۳۹۹. انتخاب نهایی آغاز: روز چهارشنبه و پنجشنبه ۱۰ و ۱۱ دی‌ماه ۱۳۹۹. اطلاع‌رسانی پذیرفته‌شدگان: روز جمعه ۱۲ دی‌ماه ۱۳۹۹. اختتامیه و اهدای جوایز: پنجشنبه ۲۵ دی‌ماه ۱۳۹۹ (با موافقت ستاد کرونا مکان اعلام می‌شود)، نمایشگاه: ۲۵ دی‌ماه تا ۳ بهمن‌ماه ۱۳۹۹ (با موافقت ستاد کرونا مکان اعلام می‌شود).